

چشمه آبخوری^۱، عامل اعتباربخشی^۲ محلات مراکش*

فاطمه السادات شجاعی
کارشناس ارشد طراحی شهری، دانشگاه آزاد تهران، واحد تهران مرکز.
fshojaie66@gmail.com

چکیده

فضای مکثی که در میان مدینه شهرهای مراکش قرار دارد مرکز محله مدینه ها را شکل داده است. در مرکز محله‌ها چشمه آبخوری وجود دارد که جز جدایی‌ناپذیر این مکان است. چشمه‌ها از دو جهت «وجود» و «ماهیت»، در ساختار مرکز محله مدینه‌ها اهمیت ویژه داشته و جز جدایی‌ناپذیر آنها هستند. این مقاله بر آن است تا جایگاه این عنصر (چشمه) را در دو بعد ذکر شده در مرکز محلات مورد بررسی قرار دهد.

در بخش اول «وجود» چشمه در بافت مدینه مورد بررسی قرار می‌گیرد. چشمه در همه مرکز محله‌ها وجود دارد و عنصر تکرار شونده است. تکرار یک عنصر آن را در ذهن ماندگار کرده و به نشانه تبدیل میکند. چشمه با سایر عناصر پیرامون خود در تضاد است به همین دلیل توانسته در مرکز محله منحصر به فرد باشد. در بخش دوم، با بررسی ماهیت و ویژگی‌های کیفی چشمه مشخص می‌شود که نقش چشمه در مرکز محله فراتر از جنبه کاربردی آن است. شباهت تزئینات چشمه به فضاهای مهم هویتی مانند: مسجد، مدرسه و حیاط داخلی خانه‌ها نشان می‌دهد که این عنصر از جایگاه معنوی ویژه‌ای در میان ساکنین برخوردار است و بر هویت‌بخش بودن چشمه تأکید دارد.

این مقاله براساس مشاهدات میدانی نگارنده نوشته شده و نمونه موردی آن ۱۵ مرکز محله انتخاب شده از مدینه ۶ شهر مختلف از کشور مراکش است. با توجه به مشاهدات میدانی صورت گرفته می‌توان چشمه را به عنوان عنصر نشان‌های مرکز محله مدینه‌ها، و عنصر معنا بخش به این فضا دانست. در واقع می‌توان بیان کرد که مرکز محله به واسطه چشمه تعریف می‌شود و گشودگی میان محله که چشمه ندارد، کارکرد مرکز محله را نیز ندارد.

واژگان کلیدی

نقطه عطف، مرکز محله، چشمه آبخوری، اعتباربخشی، مدینه‌های مراکش.

مقدمه

می‌شوند. این گشودگی‌ها کارکرد مرکز محله را دارند و فضای مکث عابرین و ساکنین محله هستند. پیرامون این فضا کاربری‌های مهم مانند مسجد و مدرسه شکل گرفته است. روی یکی از جداره‌های مرکز محله «چشمه آبخوری» وجود دارد. این عنصر در مرکز محله مدینه شهرهای مراکش تکرار می‌شود.

از آنجا که تکرار یک عنصر موجب ایجاد خاطره ذهنی برای بیننده شده و همچنین موجب معنابخشی به فضای شهر می‌شود، شناسایی عناصر تکرارشونده مکان اهمیت دارد. در این پژوهش نیز بررسی اهمیت چشمه به لحاظ جز جدایی‌ناپذیر مرکز محله مدینه‌ها هدف اصلی است. با توجه به مشاهدات میدانی صورت گرفته می‌توان شکل‌گیری مرکز محله مدینه‌ها را متأثر از نیاز ساکنین به قرارگاه رفتاری و فضایی برای نمود ویژگی‌های محله دانست. همچنین وجود عنصری که هم در فرهنگ اسلامی و هم مسیحیت قابل توجه است، در شکل‌گیری این فضا غیر قابل چشم‌پوشی است.

اکثر شهرهای کشور مراکش دارای بافت قدیم هستند و بافت جدید حول آن شکل گرفته است. پیرامون بافت قدیم را دیواری بلند احاطه کرده و راه ارتباطی آن با بافت جدید از طریق چند دروازه تأمین می‌شود. به این بخش از شهر «مدینه» گفته می‌شود. مدینه‌ها دارای کوچه‌های باریک هستند و در اکثر معابر آنها امکان تردد ماشین وجود ندارد. این بافت به صورت ارگانیک شکل گرفته و خانه‌ها مانند نگینی در میان آن مخفی شده‌اند. بخش مسکونی با دیوارهای بلند، در و پنجره‌های کوچک با کوچه ارتباط دارد و زیبایی و تزئینات خاصی ندارند اما درون خانه‌ها بسیار زیبا و متفاوت از بیرون آنهاست. بازارها محورهای تجاری هستند که از میان بافت عبور می‌کنند و دروازه‌ها را به یکدیگر مرتبط می‌کنند. مدینه عنصر بومی شهرهای مراکش است و مانند دیگر شهرها دارای محلاتی است که با وجود گذشت قرن‌ها همچنان زندگی در آنها جریان دارد. درون محلات گشودگی‌هایی که زیرمجموعه مدینه‌ها هستند، با فواصل کم در نقاط مختلف بافت قدیم مشاهده

آب، عنصر تکرارشونده مرکز محلات شهرها

در گذشته در سکونت‌گاه‌های کوچک و بزرگ تاریخی، یک یا چند محله وجود داشت و در میان آنها مکانی برای تجمع اهالی و تبادل نظر آنها شکل می‌گرفت. این فضای تعاملی که در میان هر یک از محلات شکل می‌گرفت با نام مرکز محله خوانده می‌شد. در جوامع امروزی نیز که محله از ارکان اصلی کالبد شهر محسوب می‌شود مراکز محلات حلقه ارتباط میان شهر و شهروند هستند.

از ویژگی‌های فضاوندی محله و البته به گفته نوربرگ شولتز ویژگی هر سکونتگاهی، مرکز است. بولنائو مرکز را نقطه‌ای که انسان به عنوان موجودی واجد روان در آن موضع می‌گیرد، نقطه‌ای که در آن درنگ کرده و زندگی در فضا را تجربه می‌کند، می‌داند (شولتز، ۱۳۸۱).

مرکز محله مکان استقرار فضاها و عناصر خدماتی متعلق به محله است و در اغلب موارد در مرکز فیزیکی محله شکل می‌گیرد. این خصوصیات تحت تأثیر عوامل متعددی از جمله شرایط اقلیمی، جغرافیایی و توان اقتصادی ساکنان شهر شکل می‌گیرد. البته در انتخاب مکان مرکز محله عواملی نظیر موقعیت محله نسبت به بازار و دروازه‌های اصلی شهر و خواست بنیان‌گذاران فضاهای خدماتی و نیز مردم محله تأثیر داشته است. به عبارتی روشن‌تر، نوع، کیفیت و مقدار فضایی که به هریک از تأسیسات و عناصر خدماتی مرکز محله اختصاص داده می‌شود، علاوه بر مشروط بودن به ویژگی‌های عام پدید آورنده و شکل‌دهنده شهر و آداب و رسوم

اعتقادات اهالی هر محله، از یک سو به وضعیت و توان اقتصادی اهالی محله و از سوی دیگر به وسعت و اندازه محله بستگی داشت (سلطان‌زاده، ۱۳۶۲: ۱۵۶).

مرکز محله مظهر بیشترین تماس‌ها و تجمع افراد محسوب می‌شد. هر محله در تأمین نیازهای خدماتی و اجتماعی دارای نظامی نیمه مستقل بود و تمامی خدمات مورد نیاز اهالی را در خود جای می‌داد و بهترین دسترسی‌ها را برای اهالی فراهم می‌کرد. مرکز هر محله همواره فضایی برای تجمع و گذران اوقات فراغت اهالی محل به شمار می‌رفت (باقری، ۱۳۸۸: ۶۷). با ظهور عصر جدید ساختار و عملکرد محله‌ها دگرگون شد.

مرکز محلات اگرچه از نظر شکل و کالبد متفاوت هستند اما از نظر کارکرد مفهوم مستقل و گویا دارند. این قرارگاه‌های رفتاری در ترکیب با عناصر پیرامون خود، کارکرد مشابه دارند. همه مراکز محلات فضای مکث و تجمع هستند و مکان دیدن و دیده شدن ساکنین محله محسوب می‌شوند.

مرکز محله در ایران

در گذشته آب‌انبارها مانند سایر ابنیه شهری در مراکز تجمع، نظیر راسته بازارها، مراکز محلات و کاروانسراهای بین راهی احداث می‌شد (قبادیان، ۱۳۸۲: ۲۹۸).

به اعتقاد سلطان‌زاده بسیاری از آتشکده‌های دوره ساسانیان در هسته مرکز محله‌ها شکل گرفته‌اند و پس از اسلام بستر ساخت



تصویر ۱. همجواری چشمه، درخت و چارتاقي، روستا، اصفهان.
عکس: فاطمه‌السادات شجاعی، ۱۳۹۵.



تصویر ۲. مرکز محله در آسیای میانه فضای شکل‌گیری روابط اجتماعی است، آسیای
میانه، مأخذ: The Aga Khan Trust For Culture, ۱۹۹۷

اهمیت آب

"ارتباط با طبیعت، ضروریترین شرط برای هنرمند است، هنرمند انسان است؛ او خود طبیعت است؛ بخشی از طبیعت است در میان فضای طبیعی" (پل کله)^۵. اهمیت طبیعت و قابل دسترس بودن آن برای انسان در تفکرات اسلامی نیز دیده می‌شود. در تفکرات اسلامی طبیعت به عنوان بخشی از نظام آفرینش، حامل صفات خیر خداوند بوده و عناصر طبیعت به عنوان آیه‌ها و جلوه‌هایی از وجود حق معرفی شده‌اند. آب به عنوان یکی از جلوه‌های طبیعت، در دین اسلام مورد توجه و تأیید قرار گرفته است. خداوند در قرآن کریم آفرینش همه موجودات زنده را از آب دانسته است: «و جعلنا من الماء کل شیء حی»^۶. آیات دیگری هم در قرآن آورده شده که به توصیف اشکال مختلف آب پرداخته‌اند و از آنها به نام آیات الهی یاد می‌شود (تصویر ۳).

مسجد بوده‌اند (سلطان‌زاده، ۱۳۶۵: ۲۶۸). از سویی جوادی در مقاله خود عناصر سه‌گانه چارتاقي، چشمه و درخت را در پیوند با هم می‌داند و عنوان می‌کند که در یک مکان شکل می‌گیرند. "درختان کهنسال در کنار چشمه، چاه و رودخانه‌ها قرار دارند و بسیاری از اینها که در جوارشان نیایش‌گاهی بنا شده است. برخی از این (چارتاقي‌ها) در زمان ساسانی تبدیل به آتشکده شدند" (جوادی، ۱۳۹۲) (تصویر ۱).

گذشته از مسجد برخی دیگر از اماکن مذهبی نیز در ساختار محله نقش مهمی ایفا می‌کرده‌اند؛ مدرسه، آرامگاه و مشاهد متبرکه، اماکن و عناصر مورد احترام و ... در بسیاری از محله‌های کهن می‌توان تکوین محله را در پیوند با اماکن فرهنگی مورد تأمل قرار داد. گاه یک مکان مذهبی و در پیوند با آن یک عنصر غیر مذهبی؛ اما مورد احترام، مانند یک درخت کهنسال، این نقش را ایفا می‌کرده است و مرکز ثقل محله به شمار می‌آمده است. این گونه اماکن در پیوند مستقیم با تحولات محله و در نتیجه، تأثیرگذار در بافت و ساختار شهر بوده‌اند (ضیاءتوانا، ۱۳۷۰: ۱۷۳-۲۰۰).

مرکز محله در آسیای میانه

تا اواسط قرن بیستم، در شهرهای آسیای میانه، مانند دیگر شهرهای اسامی، محله یا همسایگی عنصر اصلی سازنده ساختار شهر بود. از یک سو محله، واحد پایه‌ای بود که مردم محلی اغلب عمرشان را در آن می‌گذراندند. هر محله یک مرکز محله داشت که چاپخانه و مسجد، فضاهای جمعی و تجاری، اجزای سازنده مرکز محلات بودند. از سوی دیگر، واحد پایه اجتماعی شهر نیز به شمار می‌رفت؛ جایی که ساکنان با ارتباطات شخصی و فامیلی به هم مرتبط بودند، اغلب چند نسل را به هم وصل می‌کرد، در جامعه و وقایع خانوادگی مشارکت داشته و مردم برای کمک به یکدیگر و حل مسائل مشترک گرد هم می‌آمدند (The Aga Khan Trust For Culture, 1997). آورده شده در (کسروی، ۱۳۸۹): (تصویر ۲).

مرکز محله در شهرهای یونان و روم باستان

میدان یا مرکز محلات در ایران، کالبدی متفاوت در شهرهای یونانی و رومی پیدا می‌کند و به لحاظ مقیاس بزرگتر از مراکز محلی کوچک در ایران می‌شود. در واقع به عنوان مکانی است که محل گردهمایی گروه‌های مختلف اجتماعی است و در مناسبت‌ها و رویدادهای گوناگون در آن اجتماع می‌کنند. میدان (آگورا)^۳ از بخش‌های اصلی شهرهای یونان بوده و در شهرهای روم باستان نیز میدان (فوروم)^۴ هسته مرکزی مراکز اجتماعی، مذهبی، حمام، آمفی‌تئاتر، رویدادهای ورزشی و ... بود (برومند، ۱۳۷۴: ۱۳-۲۴) آورده شده در (باستانی راد، ۱۳۹۱). چشمه در میدان‌های یونان و روم باستان به عنوان عنصر شاخص وجود داشته است (تصویر ۱).



تصویر ۳. ذکر عبارات مقدس و نام های الهی بر دیوار چشمه آبخوری، تطوان، کشور مراکش، عکس: فاطمه السادات شجاعی، ۱۳۹۵.

در مرکز محله مدینه‌های مراکش، این ارتباط معنوی از طریق آب و حضور چشمه فراهم شده است. چشمه‌ها به عنوان یک عنصر طبیعی در همه مرکز محله‌ها مشاهده می‌شوند و آب چشمه به راحتی در دسترس ساکنین قرار می‌گیرد. با توجه به زیرساختهای طبیعی مراکش و وجود آبهای زیرزمینی در بستر شهرها پیش از شکل‌گیری مدینه، می‌توان نقش چشمه را در شکل‌گیری مکانی مرکز محله مدینه‌ها موثر دانست.

کارکرد دوگانه مکان: مرکز محله، نقطه عطف محلات مدینه
نشانه‌ها نقاط و نکات ارجاع دانی هستند که غالب مردم نقش نشانهایشان را از بیرون تجربه می‌کنند (بنتلی، ۱۹۸۵: ۱۲۱). از آنجا که "نشانه‌های معنی‌دار، که با پشتوانه‌های ذهنی شکل‌گرفته‌اند؛ ریشه در اجتماع و بنیان‌های فرهنگی دارند. در بیشتر موارد این نشانه‌ها نقطه عطف و فضای شهری محسوب می‌شوند" (سلطانی، ۱۳۸۸)، می‌توان مرکز محله مدینه‌ها که "نشانه" مدینه محسوب می‌شوند و "عنصر بومی" مدینه‌ها هستند را "نقطه عطف" مدینه نیز دانست.

به اعتقاد کالن نقطه عطف (خواه یک ستون باشد یا یک چهارراه) موقعیت و مکان را برای مخاطب روشن میکند و تأییدی بر آن است که این همان مکانی است که در جست و جوی آن هستیم (کالن، ۱۹۶۱). در واقع نقطه عطف را فضایی می‌داند که متفاوت از سایر فضاهاست و مخاطب در پی آن است. در نتیجه باید ویژگی‌های متمایزی داشته باشد. نقطه عطف مکانی است که اگر ویژگی‌های مرکز محله را داشته باشد می‌تواند مرکز محله نیز باشد اما همه مرکز محله‌ها نمی‌توانند نقطه عطف باشند. برخی عناصر تنها در نقطه عطف وجود دارند. در شهرهای مراکش نیز چشمه عنصر مشترکی بود که در همه نقاط عطف محلات وجود دارد (تصویر ۴).

اهمیت و جایگاه عنصر جدایی‌ناپذیر مرکز محله

چنانچه بتوان محیط را به سادگی در ذهن نظم داد و به صورت یک الگوی به هم پیوسته یا تصویری درک کرد، به توانایی مخاطب در راهیابی در شهر کمک خواهد کرد (لینچ، ۱۹۷۱). شناسایی عنصر جدایی‌ناپذیر یک مکان به درک تصویر ذهنی مخاطب و شناخت الگوی مکان کمک می‌کند. در این راستا شناخت ویژگی‌هایی که یک عنصر را با بستر و مکان خود پیوند جدانشدنی می‌دهد اهمیت دارد:

تزیین به عنوان یک ارزش در تمام فرهنگها و جوامع انسانی مورد تقدیر و ستایش انسان است. امروزه با ابعاد گوناگون آن مواجه



تصویر ۴. چشمه عنصر مشترک در همه نقاط عطف محلات در شهرهای مراکش، فاس، مکناس، طاتزه، عکس: فاطمه السادات شجاعی، ۱۳۹۵.

است که مخاطب متوجه قرار گرفتن در فضای مکث می‌شود. تبادل اهمیت این عنصر در این لحظه شکل می‌گیرد. تا پیش از آن مرکز محله اهمیت داشت اما ناگهان مخاطب متوجه می‌شود که تکرار چشمه در این فضا، آن را برایش بیش از مرکز مهم کرده است. تکرار چشمه میان مرکز محله‌ها پیوستگی ایجاد می‌کند و جزء جدا نشدنی آن محسوب می‌شود. تکرار یک عنصر به صورت متوالی و به طور یکنواخت باعث ایجاد عکس‌العمل خود به خودی شده و توجه مخاطب را به دنبال کردن عنصر هدایت می‌کند. در عین حال تکرار چشمه می‌تواند بر اهمیت آن صحنه گذاشته و جایگاه آن را در میان ساکنان نشان دهد.

همانطور که ذکر شد، چشمه آبخوری از تزئینات پرکار و با جزئیات زیاد برخوردار است. این تزئینات مشابه تزئینات فضاهایی مهم مانند مسجدها و مدرسه‌های مراکش هستند. قوس بالای فضای آبخوری نعل اسبی است و این قوس در مسجد و مدرسه نیز دیده می‌شود. مقرنس‌های کارشده و معرق‌کاری‌ها در این قسمت نیز کاشی‌کاری آبخوری مشابه کاشی‌کاری حیاط داخل خانه‌ها نیز است. خانه‌های مراکشی ظاهراً بسیار ساده به نظر می‌آیند اما با ورود به آنها فضاهای زیبایی را می‌توان دید که طبق نوشته برخی سفرنامه‌ها چون نگینی در میان بافت می‌مانند. موارد ذکر شده بر اهمیت چشمه آبخوری تأکید دارد و نشان می‌دهد که احتمالاً چشمه و آب از جایگاه معنوی والایی در محله برخوردارند؛ زیرا تزئینات آبخوری مشابه با تزئینات فضاهای شاخص است (تصویر ۶). اینکه چگونه این جایگاه را به دست آورده از حوصله این پژوهش خارج است چون مقاله به بررسی زمان حال و وضع موجود می‌پردازد. با توجه به مطالب ذکر شده می‌توان نتیجه گرفت چشمه آبخوری به عنوان عنصر هویت‌دهنده و جدایی‌ناپذیر در مرکز محله وجود

هستیم و هریک به نوعی توجه مخاطب را به خود جلب می‌کند. در بخش محیط‌های انسان ساخت، توجه به این عامل غیرقابل انکار است. در این زمینه، همواره برای هنرمند رویکرد خلق هنر با هدف زنده ساختن حس زیبا دیدن در مخاطب و ایجاد حظ بصری برای او، وجود دارد.

«چشمه‌های آبخوری» در نقاط عطف مدینه با عناصر مختلف تزئین شده‌اند. کاشیکاری‌هایی که در بعضی فضاها تمام یا نیمی از دیوار آبخوری را تزئین کرده‌اند. این تزئین گاهی به شعاع کمتر از نیم متر در اطراف آبخوری می‌رسد اما همچنان توانسته جداره متفاوت و زیبایی را خلق کند. با دقت به وضعیت اقتصادی و توان مالی ساکنین محله مشاهده می‌شود که حجم تزئینات ارتباط مستقیم با این موضوع دارد. کاشیکاری‌ها در مقیاس بزرگ و نسبتاً مجلل، بیشتر در نقاط عطفی دیده می‌شود که چند دکان و یا یک بنای شاخص مانند مسجد پیرامون آن قرار دارد. در مقابل در نقاط عطف خردتر که بیشتر کاربری مسکونی مشاهده می‌شود، گاهی برای تزئین به رنگ آمیزی با طرح کاشی اکتفا کرده و تنها با اختلاف رنگ جداره آبخوری را متمایز می‌سازند (تصویر ۵). آنچه اهمیت دارد این است که در هر دو مکان، بیننده به خوبی زیبایی، تمایز و خلق هنر را درک می‌کند و چشمه را در زیباسازی مکان موثر میدانند. مخاطب می‌تواند از فرهنگ متفاوتی باشد همانطور که سازنده از فرهنگ اسلامی، یهودی یا مسیحی بوده است. درک این تمایز فارغ از فرهنگ است چون درک زیبایی و تزئین برای هر بیننده به طور یکسان امکان‌پذیر است.

چشمه‌ها در مرکز محله مدینه شهرهای مراکش یک عنصر تکرار شونده نیز هستند. این موضوع می‌تواند بر اهمیت آنها در بین ساکنان محله تأکید کند. عابرین در مرکز محله مدینه‌ها بارها و بارها با آن روبرو می‌شوند و با داشتن این ویژگی در ذهن مخاطب ماندگار می‌شوند. پس از تجربه چند مرکز محله با دیدن چشمه



تصویر ۵. استفاده از رنگ آمیزی و اختلاف رنگ برای تمایز دیواره چشمه آبخوری با دیوار اطراف در مدینه شهرهای مراکش، شفشاون، فاس، الصویره. عکس: فاطمه‌السادات شجاعی، ۱۳۹۵.



تصویر ۶. تشابه تزئینات آبخوری با تزئینات فضاهای شاخص برای تاکید بر جایگاه معنوی این عنصر در مدینه شهرهای مراکش. فاس، فاس، شهر مراکش، عکس: فاطمه السادات شجاعی، ۱۳۹۵.

گفت‌وگو می‌پردازند و به تماشای رخدادها می‌نشینند. آنها برای برداشتن آب از خانه خارج شده در فضای عمومی حضور می‌یابند و از آب چشمه مقابل خانه‌شان برای شست و شو ظرف و لباس و آشامیدن استفاده می‌کنند. مغازه‌های کوچک مرکز محله نیز مورد توجه توریست‌ها و ساکنین هستند. آنها دقایقی را در مغازه‌ها می‌گذرانند و پس از آن از آب چشمه می‌نوشند و در هوای گرم شهرهای مراکش با شستن دست و صورت خود جان تازه می‌گیرند.

کاربری مذهبی مانند مسجد در زمان اقامه نماز مورد توجه مسلمانان است. مسلمانان از آب چشمه برای وضو و تطهیر قبل از ورود به مسجد استفاده می‌کنند. در اسلام آب زمین‌هساز ارتباط با معبود است و شرط دخول در بسیاری از عبادات وضو داشتن است. انجام آیین وضو، به معنای یکی دانستن خود، در دنیای مادی و با موج رحمت خدا و بازگشت به همراه آن به سوی اصل و مبدأ است (لینگر، ۱۳۷۴: ۶۰۵). در برخی از مرکز محله‌ها فضای آموزشی و فرهنگی در کنار مرکز شکل گرفته است. در واقع چشمه‌ها در مرکز محله ارتباط طبیعت و اجتماع را پیوند می‌دهند و خود با سایر فضاهای اطراف در ارتباطند (تصویر ۷).

چشمه آبخوری با بستر خود به لحاظ رنگ، فرم و بافت تضاد دارد. جداره اطراف چشمه کاشی‌کاری شده است و در بیشتر موردهای مشاهده شده این کاشی‌کاری پرکار است. در چند محله که ساکنین به لحاظ اقتصادی توان مالی کمتری داشته‌اند این تضاد با تغییر مصالح ایجاد شده است. از نظر فرم و شکل حوضچه زیر آبخوری و قوس بالای آن متفاوت هستند و تزئینات خاص خود را دارند. حوضچه آبخوری که در محله یهودیان مشاهده شد با صدف دریایی و سنگ‌های رودخانه تزئین شده است. قوس بالای آبخوری‌ها اغلب قوس نعل اسبی است که در بعضی موارد بخش داخلی آن مقرنس‌کاری نیز شده است (تصویر ۸).

دارد. هر بنا به عنوان جزئی از فرهنگ، وظیفه عینیت بخشی به یک اندیشه ذهنی را از طریق فرم دارد. این عینیت حامل پیامی تحت عنوان «هویت» مطرح می‌شود (طوفان، ۱۳۸۵). هویت جوهر ثابتی در اشیاء است که علی‌رغم تحولات شیء همواره ثابت می‌ماند (منصوری، ۱۳۹۲). چشمه آبخوری به عنوان جزئی از فضاست که با اندیشه ذهنی سازنده ساخته شده است. علاوه بر آن چون این عنصر ویژگی تکرارشوندگی دارد و میدانیم به لحاظ معنایی در ذهن ساکنان مراکش از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، پس بیش از اندیشه یک سازنده در ساخت این عنصر دخیل بوده است. و هویت چشمه آبخوری متفاوت از هویت یک عنصر ساده است. این هویت به زمان و مکان وابسته نبوده و نیست چنانکه در طی سال‌ها و در شهرهای مختلف به گونه‌ای مشابه دیده می‌شود.

کیفیت و ماهیت عنصر جداناپذیر مرکز محله

چشمه آبخوری در نگاه اول یک عنصر کاربردی است که آب مورد نیاز ساکنین و رهگذران را تأمین میکند. اما بررسی‌های بیشتر نشان می‌دهد که این عنصر فراتر از آن است و نقش معنایی نیز دارد.

چشمه‌ها با سایر فضاهای مرکز محله ارتباط دارند. کاربران فضاهای مسکونی، تجاری، مذهبی و ... هر یک به نوعی از آب چشمه استفاده می‌کنند و به واسطه وجود آن در مرکز حضور می‌یابند.

پیرامون بعضی مراکز محله سکوهایی برای نشستن وجود دارد. این سکوها بیشتر در کنار آبخوری‌ها قرار دارند. چشمه‌ها یکی از عوامل جذب و مکث رهگذران هستند. دست و صورت خود را با آب شست و شو می‌دهند، کمی آب می‌نوشند، مدتی استراحت می‌کنند و به راه خود ادامه می‌دهند. ساکنین محله نیز زمان بیشتری را در این فضا گرد هم می‌آیند و با یکدیگر بحث و



تصویر ۸. تمایز دیوار چشمه آبخوری با استفاده از عناصر طبیعی مثل سنگ رودخانه و صدف دریایی. طائزه، تطوان، تطوان، کشور مراکش. عکس: فاطمه‌السادات شجاعی، ۱۳۹۵.

است. تضاد را می‌توان از نظر اندازه، جهت، حالت، رنگ، تیرگی، روشنی و بافت شکل‌ها و یا از نظر فضای پر و فضای خالی، حجم مثبت و حجم منفی، فرورفتگی و برجستگی، شکل و زمینه مورد بررسی قرار داد.

چشمه آبخوری تزئینات زیادی دارد و در مقابل، مغازه‌ها و جداره بیرونی خانه‌هایی که در مرکز محله قرار دارند ساده و بدون تزئینات هستند. دیواره این فضاها ساده است و از لحاظ رنگ خنثی هستند اما کاشی‌کاری آبخوری ترکیبی از رنگ‌های متنوع است. ایجاد این تضاد و شاخص نمودن چشمه آبخوری نشان‌دهنده اهمیت آن است. این روش به لحاظ مفهومی ذهن را درگیر می‌کند و عنصر



تصویر ۷. شکل‌گیری فضای مذهبی، اجتماعی و فرهنگی در کنار چشمه در مدینه شهرهای مراکش، تطوان، کشور مراکش، عکس: فاطمه‌السادات شجاعی، ۱۳۹۵.

تضاد، بیان ارتباط منطقی میان اجزا و عناصر مختلف یک ترکیب و یا یک اثر هنری است. بهره گرفتن از تضاد در آثار هنری باعث جلوه بیشتر معنی، گویاتر شدن حالت، قوی‌تر نشان دادن احساس و در نتیجه انتقال مفاهیم و پیام‌ها به شکلی مؤثرتر و عمیق‌تر



چشمه را در ذهن مخاطب متمایز از بستر می‌سازد. تمایزی که معنابخشی را در پی دارد.

تمایز چشمه با بستر خود از نشانه بودن این عنصر در مرکز محله نیز درک می‌شود. تصویر ذهنی که یک عنصر شهری در خاطر بیننده می‌سازد و برای مدتی آن را در ذهن ماندگار می‌کند، نشانهای از آن عنصر است. به اعتقاد بنونیس "نقش نشانه این است که چیز دیگری را بازنمایی کند" (کوپال، ۱۳۸۶) به نقل از (Emile Benveniste). در واقع می‌توان گفت نشانه قطعه برگرفته از یک عنصر در ذهن مخاطب است. جایگاه نمادها و نشانه‌ها در علم نشانه‌شناسی شهری به حدی است که شهر را به مثابه متنی مملو از نشانه‌ها می‌دانند که ساکنین بسته به فرهنگ، اعتقادات و مذهب خود از آن برداشت‌ها و معانی متفاوتی دارند. هر چه نشانه‌ها قابلیت ایجاد محیط‌های آشناتری را داشته و به ذهنیت بیننده نزدیک‌تر باشند می‌توانند سهم بیشتری در هویت شهر بازی کنند (جانسون، ۲۰۰۴). از دیدگاه لینچ نشانه‌ها متنوع‌اند؛ هر نشانه با نشانه دیگر متفاوت است. گاه به لحاظ مقیاس با محدوده اطراف خود بسیار متفاوت‌اند. لینچ از خصوصیات مشخصه نشانه‌ها بی‌ظنیر بودن آنها را مطرح می‌کند و می‌گوید این مشخصه منجر به منحصر به فرد ساختن و خاطره‌سازی آنها در ذهن می‌شود. تضاد نشانه با بستر خود به لحاظ فرم و نقش را در تشخیص نشانه مهم می‌داند (لینچ، ۱۹۷۱: ۱۴۴).



با توجه به معیارهای ذکر شده برای شناخت نشانه، می‌توان نشانه بودن چشمه در مرکز محله مدینه‌ها را بررسی کرد. چشمه آبخوری به لحاظ تفاوت مقیاس و یا به عبارت دیگر مرتفع بودن در مقایسه با سایر عناصر، ویژگی نشانه بودن را ندارد چون در همان مقیاس مرکز محله تعریف شده است و بر جداره‌ها قرار گرفته است. اما تفاوت با سایر عناصر را داراست و این ویژگی را می‌توان در تزئینات بکار رفته در اطراف آن مشاهده کرد. در واقع این تزئینات آبخوری و تأسیسات آن را از بستر خود متمایز نیز کرده است. جداره اطراف، شیر آب، حوضچه زیر آن، قسمت بالای آبخوری که گاه کارکرد سایه‌بان را نیز دارد هریک به روشی تزئین شده‌اند. چشمه‌های آبخوری روی دیوارهای مرکز محله قرار گرفته‌اند و با چشمه‌ای که از زمین می‌جوشد و رها می‌شود متفاوت‌اند. توجه به این موضوع که آب رها نشود و با شیوه‌های خاص جریان آن را کنترل کنند می‌تواند دلیلی بر اهمیت آن باشد (تصویر ۹).



تصویر ۹. قرارگیری سایه بان در بالای چشمه آبخوری در برخی مرکز محله‌ها عامل تمایز چشمه از سایر عناصر است. فاس، فاس، رباط. عکس: فاطمه‌السادات شجاعی، ۱۳۹۵.

نتیجه‌گیری

به‌کارگرفته شده‌است. این ویژگی سبب شده تا جوهر آن در طول زمان و در مکان‌های مختلف مراکش ثابت نگه‌داشته شده و ماهیت آن حفظ شود. در صورتی که عناصر دیگر مرکز محله به دلیل نداشتن هویت به سادگی تغییر می‌پذیرند و در مکانی دیگر به شکلی دیگر مشاهده می‌شوند. چشمه‌ها عامل معنابخش به مرکز محله‌ها هستند و از طرفی مرکز محله‌ها و نقاط عطف نیز با حضور عنصر طبیعی آب هویت می‌یابند.

بر اساس پیشینه موضوع در منابع مرتبط، تصور نگارنده بر این بود که نشانه در محلات، معماری خاص مراکش و به‌کارگیری اجسام و یا طرح‌های بومی این منطقه باشد. اما مشاهدات و بررسی نمونه‌های مختلف در این زمینه نقش چشمه را موثرتر از سایر عناصر نشان داد. به گونه‌ای که چشمه در مقایسه با سایر نمادهای منظرین مرکز محلات برتری داده شده و همان‌طور که گفته شد این ادعا را می‌توان از ویژگی معنابخشی و هویت بخشی آن به مرکز محلات دریافت.

مقاله حاضر به منظور بررسی دلایلی جدایی‌ناپذیر بودن «چشمه» در مرکز محله مدینه‌های شهرهای مراکش انجام گرفت. مطالعه نمونه‌ها نشان داد «چشمه» شاخص‌ترین مولفه معنابخش به مرکز محله است. همچنین نشان داد مرکز محله‌ها، نقاط عطف مدینه‌ها هستند. یافته‌های به دست آمده بر اساس مشاهدات نگارنده و بررسی ۱۵ گشودگی فضایی انتخاب شده از مدینه ۶ شهر مختلف از کشور مراکش است.

«چشمه‌ها» مرکز محله را تحت تأثیر خود قرار داده‌اند. این عنصر به قدری اهمیت داشته که سازنده و ساکنین به تزئین آن پرداخته و با روشهای مختلف آن را متمایز ساخته‌اند. تمایز همراه با تزئینات و جزئیات خاص توجه مخاطب را به خود جلب می‌کند. «چشمه آبخوری» در شهرهای مراکش از طریق استقرار و مکان‌گزینی در مرکز مدینه‌ها و سپس با ارایه انواع خدمات و زمینه‌سازی برای دیدارهای اجتماعی و زیباسازی مکان و ... به عنوان عنصر معنابخش و هویت‌دهنده که ظرفیت بالایی دارد،

پی‌نوشت

* این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی «گردشگری منظر بومی مراکش» است که در سال ۹۵ و ۹۶ در پژوهشکده نظر انجام و سفر مطالعاتی آن به مقصد ۱۲ شهر مراکش در شهریور ۹۵ برگزار شد.

۱. Wall Fontaine

۲. Valuation

۳. Agora

۴. Forum

۵. Paul Klee

۶. سوره انبیاء، ۳۰

۷. Jhonson

فهرست منابع

- باستانی راد، حسن. (۱۳۹۱). کوی (محلّه) در شهرهای ایرانی سده‌های نخستین اسلامی. مجله پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام ۱۰. بهار و تابستان ۱۳۹۱.
- باقری، اشرف السادات. (۱۳۸۸). مقایسه محله‌های شهری گذشته و امروز، مجموعه مقالات همایش توسعه محله‌ای ۴، طرح نو، تهران.
- برومند، اسفندیار. (۱۳۷۴). میدان، فضای گمشده در شهرسازی امروز ایران. مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، ارگ بم، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور. ۱۳-۲۴.
- بنتلی، ای یین و همکاران. (۱۹۸۵). محیط‌های پاسخ‌ده. ترجمه: مصطفی بهزادفر، مرکز انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران.
- پورجعفر، صمد. (۱۳۹۳). مفاهیم و واژه‌های کلیدی زیباسازی شهری.
- جوادی، شهره. (۱۳۹۲). بازخوانی روایت باستانی «آب و درخت» در دوران اسلامی ایران. مجله هنر و تمدن شرق. دوره ۱، شماره ۱. ۴۳-۵۰.
- سلطان زاده، حسین. (۱۳۶۲). فضا زمان مذهب (مقدمه‌ای بر تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران). تهران: انتشارات آبی.
- سلطان زاده، حسین. (۱۳۶۸). واحدها و محله‌های مسکونی، شهرهای ایران. به کوشش محمد صالحی، کورش. نقش زمان و مکان در اثرپذیری دهقانان از فتوح اسلامی. فصلنامه تاریخ ایران. دانشگاه شهید بهشتی. شماره ۵، پیاپی ۴۹-۷۰.
- سلطانی، لیلا. (۱۳۸۸). نقش نشانه‌ها در مدیریت منظر شهر. مجله علمی ترویجی منظر. شماره سوم. ۷۴-۷۵.
- شورت، جان رنه. (۲۰۰۶). نظریه شهری (ارزیابی انتقادی). ترجمه: کرامت اله زیاری، حافظ مهدنژاد، فریاد پرهیز، دانشگاه تهران. موسسه انتشارات.
- ضیاءتوانا، محمدحسن. (۱۳۷۰). محلّه، بافت و ساختار آن در شهرهای شرق اسلامی. مجله علوم زمین. نشریه علوم زمین دانشگاه شهید بهشتی. شماره ۱ دوره جدید. ۱۷۳-۲۰۰.
- کالن، گوردن. (۱۹۶۱). گزیده منظرشهری. ترجمه: منوچهر طبیبیان. دانشگاه تهران. موسسه انتشارات.
- کسروی، رضا. (۱۳۸۹). رویارویی سنت و حکومت (بررسی الگوی سنتی و حکومتی محلّه در آسیای میانه). مجله منظر، دوره ۲، شماره ۶. ۶۷-۶۵.
- کوپال، عطا... (۱۳۸۶). فراز و فرود نشانه‌شناسی از دانش تا روش. فصلنامه باغ نظر، ۴(۷): ۳۹-۴۸.
- طوفان، سحر. (۱۳۸۵). بازشناسی نقش آب در حیاط خانه‌های سنتی. فصلنامه باغ نظر، ۳(۶): ۷۲-۸۱.
- لینچ، کوین. (۱۹۷۹). سیمای شهر. ترجمه: منوچهر مزینی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- لینگز، مارتین. (۱۳۷۴). نماد آب در قرآن. ترجمه: سیدرحیم موسوی‌نیا، فصلنامه هنر، ۲۸: ۶۰۵-۶۱۲.
- منصوری، سیدامیر. (۱۳۹۲). نقش ورودی در هویت شهر کرج، همایش هویت اسلامی_ ایرانی شهر کرج.